

پدر در ادبیات داستانی به شکل‌های مختلف بازتاب داشته و تصاویر متفاوتی از این نقش را در داستان‌ها شاهد بوده‌ایم

قصه‌های پدری

یونس فردوس

روزنامه‌نگار

یک مرتبه جایی جمله‌ای خواندم که در ذهنم ماند، «مادر مثل مداد تمام می‌شود و متوجه تمام شدنش می‌شوی ولی پدر مثل خودکار همیشه هست ولی ناگهان دیگر نمی‌نویسد» البته این جمله نقل به مضمون آن چیزی بود که خواننده بودم ولی منظور این بود که پدرها حضورشان طوری است که کسی خیلی متوجه تمام شدن و ذره ذره رفتنش نمی‌شود و وقتی به خودمان می‌آییم که دیگر نیستند. اصلاً نوشتن از پدرها خیلی کار سختی است. همین حالا هم برای جفت و جور کردن این یادداشت باید دست به دامن کلمات شد تا بتوان آن‌طور که حقیقت امر است نوشت و به قول معروف «حق مطلب را ادا کرد».

بابا! کلمه غریبی است. از اولین کلماتی است که بچه یاد می‌گیرد و در طول زندگی‌اش میلیون‌ها بار تکرار می‌کند ولی حتی وقتی خودش پدر شود هم به کنه آن نمی‌رسد و متوجه نمی‌شود که پدر چیست؟ قرار نیست برای پدرها مرثیه‌سرایی کنم فقط خواستم یادآوری کنم بابا را نه کسی متوجه می‌شود و نه کسی می‌تواند به درستی آنچه متوجه شده را توصیف کند.

به بهانه روز میلاد حضرت امیرالمومنین علی(ع) که در تقویم به روز پدر نیز شناخته می‌شود، می‌خواهیم با هم از کتاب‌هایی حرف بزنیم که درباره پدر یا با محوریت پدر نوشته شده است. کتاب‌هایی که در آنها پدر حضور دارد و فقط شخصیتی نیست که امر و نهی می‌کند یا مخالف رفتار بچه‌هاست، بلکه نویسنده مقداری فراتر رفته و تصویری از پدر را برابر دید مخاطبش ساخته است.

در مرور آثار آنچه به دست آمد حاوی نکته جالب بود که در ادبیات هم پدر درست فهم نشده و اغلب همان اختلاف‌های پدر و پسری دستمایه روایت بوده است. اختلاف‌هایی که امروز آن را نتیجه اختلاف میان نسل‌ها می‌دانند و اصلی‌ترین محل ظهورش نیز میان پدر و پسر است. هرچند بعید نیست آثاری باشد که در آن از تنهایی پدر حرف زده یا از رنج او سخن گفته باشند ولی آن‌قدر کم هستند که به چشم نیامده‌اند. به عبارتی باید گفت اهل قلم هم به درستی پدر را نشان‌خته و نتوانسته‌اند او را به تصویر بکشند. این در حالی است که مادر سهم بیشتری در آثار دارد و به خاطر وابستگی‌های عاطفی افراد به مادرانشان تصویر بهتر و شفاف‌تری از او در داستان‌ها دیده می‌شود. البته این نکته را باید تذکر داد که آنچه گفته می‌شود مبتنی بر مشاهدات است و احتمال دارد آثاری از چشم نگارنده دور مانده باشد که در آنها تصویری شکوهمند از پدر و جایگاهش به نمایش درآمده باشد. به هر صورت آنچه ما از پدر در ادبیات داستانی به‌خصوص در میان فارسی‌زبانان و نویسندگان ایرانی می‌بینیم، تصویری سیاه و سفید و حتی مخدوش است و کمتر به وجوه دیگر شخصیت پدر اشاره دارد. آنچه در ادامه قرار است بخوانید در نوع خود آثار متفاوتی محسوب می‌شوند، زیرا نویسندگان‌های مختلفی با سلايق گوناگون از روسیه و ترکیه تا افغانستان و ایران در میان آنها قرار دارد و به چشم می‌آید.

اسب به زبان آمد

مگر می‌شود بخواهی درباره رابطه پدر و پسر حرف بزنی و از رابطه میان سیدالشهدا(ع) و جوان رشیدش (حضرت علی اکبر) سخنی به میان نیاید. سیدمهدی شجاعی در کتاب «پدر، عشق و پسر» از زبان مرکب جناب علی اکبر(ع) قصه کربلا را برای مادری که در آن واقعه نبوده بازگو می‌کند.

قصه‌ای که همه از چند و چون آن با خبریم ولی شجاعی به شکلی عاشقانه آن را روایت و بازسازی

کرده که هرکسی را به حیرت می‌اندازد. در این کتاب قصه از

کودکی‌ها و شکل‌گیری یک رابطه و عشق و مودت میان

این پدر و پسر آغاز می‌شود و در جایی به اسم زمین کربلا و

روز عاشورا به پایان می‌رسد. این اثر یکی از آثار پرمخاطب

ادبیات آیینی بوده که شجاعی به‌خوبی در آن رابطه پدر و

پسر را منعکس کرده‌است. آنچه در این کتاب مخاطبان را

شگفت زده می‌کند و همواره از آن یاد می‌کنند، زبان شجاعی

است. زبانی که تنه به شعر می‌زند ولی شعر نیست و از دیگر

سو با نثر عامیانه اختلاف بسیاری دارد. زبانی که به دقت

بیانگر حالات شخصیت‌ها و اتفاقات است و شجاعی با

وجود این‌که یک آفرینش ادبی انجام داده ولی به خطوط

قرمز آفرینش ادبی در این حیطه نیز واقف بوده و سعی

کرده دامن اثرش را از این حواشی دور نگه دارد.



یکی از هزار و یکی

روزنامه گاردین رمان «پدران و پسران» را در فهرست ۱۰۰ اثری قرار داده که باید پیش از مرگ خواند، حالا ما خیلی به این فهرست‌ها کاری نداریم و بارها در همین ضمیمه درباره این فهرست‌ها حرف زده شده ولی خواستیم بگویم اثر مهمی است ولو این‌که ما آن فهرست را قبول نداشته باشیم. ایوان تورگنیف در این رمان از زاویه پدران و پسران

در واقع از زاویه دو نسل سعی کرده به اختلافات اجتماعی بپردازد و آن را نشان دهد. نویسنده این رمان را به‌عنوان

پاسخی در برابر جدال بین دو جریان فرهنگی لیبرال و نیهیلیست در روسیه

نوشت. او در کتابش لیبرال‌های دهه ۳۰ قرن نوزدهم را پدران و نیهیلیست‌ها را

پسران نامیده‌است. تورگنیف در پدران و پسران موضوع اختلاف دیدگاه میان

نسل‌های مختلف و طبقات اجتماعی را دستمایه کرده و در کتاب مناظرات

جالبی بین این دو گروه رقم زده است. دکتر مهری آهی در مقدمه‌ای که بر

ترجمه‌اش از این کتاب نوشته، آورده: «در رمان پدران و پسران، تورگنیف

درصد برآمد از تمام تجربیات و مشهودات خویش در این خصوص استفاده

کند و سوء تفاهمی که بین گروه‌های مختلف اجتماع و نسل‌های پیر و جوان و

نظریه‌های گوناگون ایجاد شده بود، به صورت داستانی شیرین در کتاب خود

ضبط کند و طریقی برای ایجاد زندگانی مطبوع و سعادت‌مند بیابد.» این رمان در

یک بستر خانوادگی (همان جایی که انتظارش می‌رود) روی می‌دهد و خواننده

از همین جا وارد جهان داستان ساخته شده تورگنیف می‌شود. شاید بد نباشد

این رمان را در فهرست آثاری بگذارید که برای نورو می‌خواهید بخوانید.

پدر معنوی

«با بالنگ دراز» عنوان موفق‌ترین اثر جین وبستر است. اثری که پاورقی در نشریه‌ای منتشر می‌شد تا این‌که در سال ۹۱۲ مستقل منتشر شد. این اثر که یکی از آثار ماندگار در قالب نا زبان دختری (جودی آبت) در نامه‌هایی به یک مرد خیر بازگو او و اتفاقات را بازتاب می‌دهد. او این مرد را ندیده و با عنوان او یاد می‌کند.

این رمان در زمان خودش توانست تاثیر بسیاری بر وضعیت در این کشور بگذارد و توجه بسیاری را به این مقوله جلب انیمه‌هایی که از روی این اثر اقتباس شده به قدری معر متن اصلی بیشتر دیده شده‌اند، با این حال ما در این کتاب پدرخوانده روبه‌رو هستیم که به امورات یک دختر یتیم رسیدگ اثر که از محبوب‌ترین آثار ادبیات داستانی نوجوان است، خ بسیاری با جودی همذات‌پنداری و همراهی می‌کند.

پدر سالار...

جوامع پدرسالار همواره در تاریخ وجود دارند. از معایب این جو و فقط سالار بودن و استیلای او بر دیگران دیده می‌شود. افغانا موج می‌زند. محمد حسین محمدی، نویسنده افغان، در آثارش «از یاد رفتن» و «سیاسر» که دو عنوان از یک سه‌گانه است رواج محوری دارد. در داستان اول ما با پدر خانواده همراه می‌شویم آشنا می‌شویم و در داستان دوم از زاویه دختر خانواده با ماجرا او وجود دارد را می‌خوانیم. پدری در این داستان است که هرچ است. بد نیست یادآوری کنم که در سومین جلد از این سه‌گانه غم‌انگیزی برای پسر خانواده رقم می‌خورد. این مجموعه به‌خوب

